

مقام ولایت‌پذیری حضرت عباس(ع)

حضرت ابوالفضل در مقام تسلیم محض نسبت به سیدالشهدا بودند. در اذن دخول حرم حضرت ابوالفضل(ع) می‌خوانیم...



حضرت ابوالفضل در مقام تسلیم محض نسبت به سیدالشهدا بودند. در اذن دخول حرم حضرت ابوالفضل(ع) می‌خوانیم: «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الوَفَاءِ وَ التَّصِيحَةِ»

متن پیش رو بخشی از کتاب «جای خالی عباس» اثر «سیدعلی اصغر علوی» است. این کتاب به همت نشر سدید (انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)) در پاییز ۹۳ منتشر شده است. حجت‌الاسلام علوی در این نوشتار به بررسی مقام ولایت‌پذیری حضرت عباس(ع) می‌پردازد. وی ولایت‌پذیری حضرت ابوالفضل را از زمان امام علی(ع) تا واقعه کربلا بررسی می‌کند.

حضرت ابوالفضل در مقام تسلیم محض نسبت به سیدالشهدا بودند. در اذن دخول حرم حضرت ابوالفضل(ع) می‌خوانیم: «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الوَفَاءِ وَ التَّصِيحَةِ» که وقتی از دور هم نگاه می‌کنیم، صفات تسلیم و تصدیق وفا و نصیحت را در ایشان می‌بینیم.

تسلیم محض اول آمده و بعد تصدیق؛ یعنی تا انسان در قلبش تسلیم محض خدا و ولی او نباشد، نمی‌تواند او را تصدیق کند و هر حکمی کرد، زیر بار آن برود، به‌خصوص در مورد ایشان که با نقش خود در روز عاشورا مسیر تاریخ عوض می‌کند. سلمان که پیامبر فرمودند: «از ما اهل بیت است» و صاحب اسم اعظم و صاحب آن مقامات بالا بود، در جریان آتش زدن خانه حضرت علی(ع) در روایت است که «وقع فی قلب سلمان شیء» یعنی در دل سلمان چیزی واقع شد و احساسش این بود که حضرت که صاحب اسم اعظم هستند، چرا تصرفی در این صحنه نمی‌کنند. در روایت آمده است که حضرت به او فرمودند: بیعتت را تجدید کن.

جریان عاشورا کم‌تر از این جریان نبود، اما در قلب حضرت ابوالفضل کوچک‌ترین واقعه‌ای رخ نداد و در کل راه، در هیچ مرحله‌ای هیچ شکی در ایشان به وجود نیامد.

بنابراین هر امتحانی ظاهر و باطنی دارد؛ مثلاً لبه المیبت را خیلی‌ها می‌گویند ما هم بودیم جای پیامبر می‌خواهیدیم تا حضرت زنده بماند و ما بمیریم؛ اما وقتی که امتحان واقع می‌شود معلوم است چه خبر است، هنگامی که حضرت علی‌علیه‌السلام در لبه المیبت به جای پیامبر خوابیدند، خداوند به جبرئیل و میکائیل فرمودند کدام‌یک از شما حاضر است در حق دیگری این کار را بکنند؟! فرمودند نمی‌توانیم.

مقام تسلیم حضرت ابوالفضل نیز این‌طور که ما فکر می‌کنیم، نبوده، بلکه حضرت، ایشان را در کوره سخت‌ترین امتحانات عالم برده بودند. آن‌چه امام حسین در روز عاشورا به اصحاب خود دستور دادند، از آن‌چه امام صادق از ابوهارون خواست سخت‌تر است. امام صادق به ابوهارون مکفوف فرمود: «ألق النعل من یدک و اجلس فی التنور» کفش‌هایت را از دستت رها کن و در تنور بنشین. او کفش‌هایش را رها کرد و در آتش رفت.

تکلیفی که حضرت در روز عاشورا روی دوش اصحابشان گذاشتند قابل‌مقایسه با چنین چیزی نیست. این‌که شب قبل به آن‌ها فرمود بروید به خاطر این بود که تکلیف بسیار سخت بود و می‌خواست آن‌ها را مهیا کند تا تنها کسانی بمانند که بتوانند این بار را بردارند. [۱]

ولایت‌پذیری از امام علی(ع)

مرحوم مقرر، از علمایی است که یک کتاب برای ابوالفضل(ع) نوشته است. علامه امینی در کتاب الغدیر از مرحوم مقرر تقدیر کرده است. ایشان می‌گوید: این‌که آب نخورد، این وصیت پدرش بود. امیرالمؤمنین، ابوالفضل را صدا زد و گفت: بیا. گفت: پسرم وقتی در کربلا دستت به آب رسید تا زمانی که برادرت و بچه‌ها تشنه هستند، آب نخور. یاد تشنگی بچه‌ها باش. ضمناً سفارش امیرالمؤمنین هم بود. [۲]

ولایت‌پذیری در زمان تشیع امام حسن(ع)

بدن مقدس امام حسن مجتبی را همین‌که روی تابوت بود، تیرباران کردند. ابوالفضل شمشیر کشید. امام حسین فرمود: جلوی او را بگیرید. امام حسن گفته است که در تشیع جنازه من خونی ریخته نشود. عباس شدن!

ما باید این‌طوری باشیم؛ یعنی با این‌که در کربلا نبودیم، ولی باید در نیت و عزم این‌طوری باشیم. عزم غیر از هوس است. هوس خوب شدن را همه دارند، ولی به درد نمی‌خورد. باید عزم خوب شدن را داشته باشیم. اگر اخلاق و عرفان و آن حزن‌ها نباشد، اتفاق بعدی نمی‌افتد. در زیارت امام حسین بیان می‌کنیم: اگر با تو بودم، جان خودم را سیر تیزی شمشیر قرار می‌دادم که به تو اصابت نکند. تا اصحاب عاشورا بودند، نگذاشتند که کسی از بنی‌هاشم مجروح بشوند. در ادامه می‌فرماید: باقی‌مانده جانم را فدای تو می‌کردم، پیش روی تو جهاد می‌کردم و یار تو بودم، خودم، جسم، جان، مال و فرزندانم را فدای تو می‌کردم، روحش قربانی روح تو اهلش سپر اهل تو می‌شدند. چه‌طور می‌شود که انسان این‌گونه شود؟ ما باید به این‌جا برسیم. خودمان را طوری بسازیم که روز عاشورا کنار امام حسین‌علیه‌السلام باشیم و خودمان و اهلمان سپر سیدالشهدا باشیم.

حرف و حدیث هم نباشد. باید ببینیم که الآن جان ما با امام است یا خیر. در زیارت عاشورا با تضرع می‌خوانیم که من با شما باشم. این کار آسانی نیست. حضرت دارد به طرف خدا می‌رود و همه ما دعوت هستیم. اگر شما از دنیا کوچ کنید، امام بار شما را می‌برد. امام داعی الله است. ما آماده کوچ هستیم و باید خون‌مان را در کف دستمان بگذاریم. فضای دستگاه امام حسین علیه‌السلام خیلی آماده است و می‌شود حر شد. ما هرچقدر اهل سرعت باشیم، باز در روز قیامت غبطه می‌خوریم. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: خدای متعال، مقامی به حضرت ابوالفضل می‌دهد که همه شهدا غبطه می‌خورند! یعنی وقتی حییب نگاه می‌کند، می‌بیند که بیشتر می‌توانست از امام حسین علیه‌السلام بهره‌مند شود. این یک راه میانه است. زهیر باید چقدر نماز می‌خواند تا به این جا برسد؟ آیا حر با نماز به این مقام می‌رسید؟ همه عمر فرصتی است برای به امام رسیدن و بقیه راه، امام ما را می‌برد. ما در منظومه شمس هستیم و او ما را با خودش می‌برد. ما باید به امام برسیم. مواظب باشید که فرصت‌ها از کف نرود و به امام برسید. [۳]

پانوشتها؛

[۱] برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام میرباقری.

[۲] برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۷۱، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، ص ۶ (نرم‌افزار مجموعه آثار قرائتی).

[۳] برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری.